

## تاریخچه انستیتو روانپزشکی تهران

### بخش اول - به روایت دکتر ایرج سیاسی

دکتر شهرو محسنی<sup>(1)</sup>

[دریافت مقاله: 1394/7/22؛ پذیرش مقاله: 1394/8/7]

#### مقدمه

جامعه‌نگر، «اعتیاد»، «بهداشت روان» و «روانشناسی بالینی» - با حفظ نام انستیتو روانپزشکی تهران - تبدیل شد. تاریخچه این تغییر و تحول همراه با شرح مبادی، دلایل، ضرورت، رسالت، سختی‌ها و چشم‌اندازها از زبان دکتر جعفر بوالهروی تهیه شده است.

#### تاریخچه پایه‌گذاری انستیتو روانپزشکی تهران

در اواخر سال 1352، مرحوم دکتر سید شجاع‌الدین شیخ‌الاسلام‌زاده، وزیر رفاه و بهداری وقت و مؤسس انجمن توانبخشی، طی تماس تلفنی به دکتر ایرج سیاسی (تصویر 1) پیشنهاد کرد تا برای طرح برنامه جامعی مشتمل بر روانپزشکی، اعتیاد و عقب‌ماندگی ذهنی به ایران بیاید. او که در آن زمان در سمت استاد در دانشگاه پیتزبورگ در پنسیلوانیای آمریکا مشغول به کار بود، بی‌درنگ و با اشتیاق این پیشنهاد را پذیرفت و بعد از گرفتن مرخصی یک ساله، عازم تهران شد.



تصویر 1- دکتر ایرج سیاسی

این نوشتار، به تاریخچه انستیتو روانپزشکی تهران از زبان رؤسای آن می‌پردازد. پیش از ورود به بحث، مختصری درباره ساختار انستیتو و نحوه شکل‌گیری آن می‌آید.

در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب، «انجمن توانبخشی» متولی امور توانبخشی معلولان، بیماران روانپزشکی، معتادان و عقب‌ماندگان ذهنی کشور بود. با ریاست دکتر ایرج سیاسی از سال 1352، فعالیت‌های بهداشت روان انجمن توانبخشی رنگ و بوی تازه‌ای گرفت و واحدهای آموزش و پژوهش آن رونق پیدا کرد. واحد آموزش انجمن توانبخشی، «انستیتو» نامیده می‌شد و ریاست آن با دکتر کیومرث فرد بود. تاریخچه این فصل از حیات انستیتو به روایت دکتر ایرج سیاسی خواهد آمد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در اردیبهشت 1358 دکتر احمد محیط به‌عنوان رئیس واحد آموزش انجمن توانبخشی (انستیتو) منصوب شدند. در همان سال انجمن توانبخشی منحل شد و با همت و پشتکار دکتر محیط، واحدهای آموزشی و پژوهشی آن، در دل ساختار جدیدی به نام «انستیتو روانپزشکی تهران» قرار گرفت. دکتر محیط 11 سال رئیس انستیتو بود تا اینکه در سال 1369 دکتر سید احمد واعظی به جایگزینی ایشان به ریاست انستیتو منصوب شد. شرح این دوران از تاریخچه انستیتو از زبان دکتر احمد محیط نوشته می‌شود.

سال 1371، دکتر جعفر بوالهروی رئیس انستیتو روانپزشکی تهران شد و کماکان در این سمت است. با همت و پیگیری او انستیتو روانپزشکی تهران در سال 1392 به «دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان» با چهار دپارتمان «روانپزشکی

<sup>(1)</sup> روانپزشک، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی - درمانی ایران، مرکز تحقیقات بهداشت روان. تهران، خیابان ستارخان، خیابان نیایش، خیابان شهید منصوری،

دکتر هاراطون داویدیان وجود داشت. دکتر داویدیان معتقد بود که فقط دانشکده پزشکی است که می‌تواند متولی آموزش و تربیت روانپزشک باشد. دکتر سیاسی خاطر نشان می‌کند: «ایشان به حق نگران کیفیت آموزش روانپزشکان بودند، ولی با وجود جلسات خصوصی متعدد نتوانستم ایشان را متقاعد کنم و ما تصمیم گرفتیم که با حفظ احترام متقابل، در مخالفت باقی بمانیم.»

پس از کسب مجوز تربیت دستیار تخصصی روانپزشکی از وزارت علوم، بلافاصله جلسه‌ای با روانپزشکان در انجمن توانبخشی که در آن زمان 22 نفر بودند، تشکیل شد. در آن جلسه دکتر سیاسی پس از اعلام خبر افزود: «دست زدن به این خطیر، مستلزم فداکاری یک یک ما خواهد بود و هر یک، علاوه بر مسئولیتی که داریم باید بار سنگین آموزش را نیز بر دوش بکشیم و چنانچه نمی‌خواهید این تعهد را بپذیرید باید صبر کنیم تا روانپزشکانی که به تدریج از خارج جذب می‌کنیم از راه برسند.»

تمامی 22 نفر با اشتیاق، آمادگی خود را برای مسئولیت جدید اعلام کردند و بلافاصله از پزشکان عمومی جوان و با انگیزه از سراسر کشور دعوت شد تا پس از موفقیت در مصاحبه ورودی، به عنوان اولین گروه دستیاران روانپزشکی مشغول به کار شوند. گروه اول مشتمل بر 15 دستیار بود، تعدادی از تهران و بقیه از سایر استان‌ها بودند. دستیاران غیرتهرانی، در استخدام استان مربوطه قرار داشتند و در تمام طول دستیاری از حقوق و مزایای استخدامی‌شان بهره‌مند بودند و قرار بر این بود که پس از پایان دوره، برای ارائه خدمات روانپزشکی به استان‌های خود عزم کنند. طبق برنامه، انجمن توانبخشی موظف بود هر شش ماه، 15 دستیار روانپزشکی جذب کند. دغدغه آن روزها این بود که چگونه می‌توان کمی‌نگری را با کیفی‌نگری تکمیل کرد. متون موجود روانپزشکی و مواد آموزشی موجود، نیاز مبرم به به‌روزرسانی داشتند و ایشان به اجبار، شب‌ها، تا پاسی گذشته از نیمه شب، دروس را به صورت جزوه نوشته و روز بعد تکثیر کرده و در اختیار دستیاران و کمک روانپزشکان می‌گذاشتند. دستیاران موظف به فراگیری زبان انگلیسی بودند. در جلسات هفتگی شبانه در منزل ایشان (که گاهی تا دم صبح ادامه داشت)، پس از مرور تمام دروس و بررسی مشکلات بالینی و یا اصطکاک با استادان در دوره‌های بالینی و سعی در حل مشکلات به صورت گروهی، به ترجمه متون انگلیسی

پس از بررسی وضعیت موجود، در عرض سه ماه برنامه‌ای بالغ بر 150 صفحه آماده کرد و به رؤیت وزیر وقت رساند. بر اساس این برنامه، تربیت روانپزشک در کوتاه‌مدت و تربیت روان‌پرستار، روانشناس و مددکار اجتماعی در بلندمدت مقرر شد. دکتر شیخ‌الاسلام‌زاده، پس از مطالعه برنامه، از دکتر سیاسی دعوت کرد تا برای اجرایی شدن این برنامه، در سمت قائم مقام وزیر و به عنوان رئیس انجمن توانبخشی مشغول به کار شود. لازم به ذکر است که در آن زمان، انجمن توانبخشی علاوه بر مسئولیت توانبخشی معلولین، وظیفه خدمت به تمامی بیماران مبتلا به اختلالات روانپزشکی، معتادان و عقب‌ماندگان ذهنی کشور را بر عهده داشت.

در سال 1353، تنها 120 روانپزشک در کشور وجود داشت، آن هم فقط در شهرهای تهران، شیراز، مشهد و اصفهان؛ و این روانپزشکان اغلب در بخش خصوصی فعالیت می‌کردند. در آن زمان بیماران را از شهرستان‌ها می‌آوردند و در بیمارستان رازی می‌گذاشتند و می‌رفتند. تعداد محدودی روانپزشک که دانشگاه تهران تربیت می‌کرد جوابگوی نیاز کشور نبود. بنابراین هسته اصلی برنامه پیشنهادی، وابسته به شتاب سیستم در فراهم کردن نیروی انسانی متخصص بود که قسمتی از آن، بی‌واسطه و از طریق انجمن توانبخشی قابل حصول بود. به هر حال، برای قسمت عمده آن، یعنی تربیت نیروی متخصص روانپزشک، نیاز به کسب مجوز از وزارت علوم بود. در قسمت اول، بیش از 40 نفر کارشناس روانشناسی استخدام و پس از گذراندن یک دوره آموزش فشرده سه ماهه، برای یاری‌رساندن به روانپزشکان، به بیمارستان روانپزشکی رازی اعزام شدند. دکتر سیاسی می‌گوید: «کسب مجوز تربیت دستیار روانپزشکی که در انحصار وزارت علوم بود، دست کمی از عبور از هفت‌خوان رستم نداشت». پس از ارائه فرم‌های اولیه به وزارتخانه، مراحل متعدد و سختی، از جمله ارائه رزومه تمام روانپزشکانی که در آموزش نقش داشتند، ریز تمام عناوین درسی و نام مدرس آنها، جزئیات تمام برنامه‌های سه ساله، خصوصیات داوطلبان قابل پذیرش و جزئیات دسترسی به بیماران و انواع تشخیص‌ها طی شد. رفت و آمد به وزارت علوم چهار ماه به طول انجامید و سرانجام آخرین ایراد، یعنی لزوم حضور روانپزشک اطفال، با آمدن سه روانپزشک اطفال، یک نفر از انگلستان و دو نفر از ایالات متحده آمریکا برطرف شد. در تمامی این مراحل، مخالفت شدید گروه روانپزشکی دانشگاه تهران به مدیریت

می پرداختند. قصد، بهره‌مندی دستیاران از آخرین یافته‌های علمی با قرائت بومی و داشتن جایگاهی برجسته در «هندسه معرفتی جهانی» و انتقال آن به‌عنوان نیروی متخصص آموزشی به نسل‌های بعد بود. آزمون دانشنامه تخصصی گروه اول برگزار شد و برتری فارغ‌التحصیلان انستیتو بر فارغ‌التحصیلان دانشگاه، یکی از معیارها برای نشان‌دادن موفقیت در رسیدن به هدف کیفی با تلاش و بسیج تیم روانپزشکان انجمن توانبخشی بود.

لازم به ذکر است که انجمن توانبخشی قسمت‌های متعددی داشت و آن قسمت که مربوط به آموزش روانپزشکی بود، «انستیتو» نامیده می‌شد. در ابتدا، ریاست قسمت آموزشی، تا تثبیت برنامه، به عهده دکتر سیاسی بود و پس از آن، با مشورت همکاران، بر عهده دکتر کیومرث فرد گذاشته شد. برنامه همه‌گیرشناسی اختلالات روانپزشکی توسط قسمت پژوهشی انجمن در حال انجام بود. هم راستا با ارتقا سطح روانپزشکی کشور، همایش‌هایی در شهرهای اصفهان و تبریز برگزار شد. روانپزشکان و روان‌پرستاران بیمارستان رازی برای گذراندن دوره سه ماهه به‌صورت رایگان به دانشگاه میلواکی فرستاده می‌شدند و این امر برای سه دوره انجام شد. قرارداد مشابهی با دانشگاه پیتزبورگ برای رد و بدل کردن دستیاران سال آخر روانپزشکی بسته شد، اما انجام آن محقق نشد. برای آشنایی پزشکان عمومی با رشته روانپزشکی و ایجاد انگیزه و علاقه در آنها به انتخاب این رشته، نشست‌های مطبوعاتی برگزار و این رشته برای مردم معرفی شد. با این تلاش‌ها بود که پس از مدتی داوطلبان برای رشته روانپزشکی افزون شد؛ چون احترام روانپزشکان بیشتر شده بود.

دکتر کیومرث فرد تا زمان پیروزی انقلاب، رئیس قسمت آموزشی انجمن (انستیتو) بود و پس از انقلاب، مرحوم دکتر کاظم سامی، وزیر بهداشتی وقت، دکتر احمد محیط را به ریاست منصوب کرد.

در پایان دکتر سیاسی افزود: «شرط عدل نیست که نگارش این مختصر را بدون قدردانی از مرحوم دکتر شیخ‌الاسلام‌زاده برای همیاری و پشتیبانی بی‌دریغش و همینطور همکاران روانپزشک انجمن توانبخشی که خدمت به هموطنان را به حد اعلی نشان دادند، به ختم برسانم. روح دکتر شیخ شاد باد. از همکاران روانپزشک که اکثراً ترک وطن کرده‌اند، از طرف خود و روانپزشکانی که مدیون فداکاری آنها بوده‌اند، از صمیم قلب تشکر می‌کنم. در ضمن، معتقدم باید از دکتر بوالهروی به‌خاطر حفظ تمامیت انستیتو در شرایطی که موجودیت آن در خطر بود، تقدیر کرد.»

دکتر سیاسی به نقل از دکتر شیخ‌الاسلام‌زاده، سال‌های 1353 تا 1357 را به‌عنوان دوران طلایی برای روانپزشکی و خوشبخت‌ترین دوره زندگی خود یاد می‌کند.

### سپاسگزاری

با سپاس از استاد گرامی، جناب آقای دکتر جعفر بوالهروی، رئیس دانشکده علوم رفتاری و سلامت روان-انستیتو روانپزشکی تهران که فرصت مصاحبه و نگارش این مهم را به من سپردند.  
[بنا به اظهار نویسنده مسئول مقاله، حمایت مالی از پژوهش و تعارض منافع وجود نداشته است].